

سرکار خانم سیده حمیده زراآبادی، نماینده ادوار قزوین در مجلس شورای اسلامی

خبر پرواز پدر بزرگواران، آن سرو ایستاده که بی صدا اما ریشه دار، تکیه گاه مهر و عزت بود، دل را لرزاند و جان را اندوه گین کرد.

درگذشت پدری که بی نام در سایه ایستاد تا دخترش با نام و صدای عدالت در صحنه باشد، سوگی ست سترگ و فقدانی ست سنگین؛ اما یقین داریم میراث اخلاق، استقامت و انسانیت او، در شما جاری ست و خواهد ماند.

به شما، خانواده ارجمندان و همه دوستان ایشان، صمیمانه ترین تسلیت ها را عرض می کنم و برای آن پدر شریف، آمرزش، آرامش، و هم نشینی با صالحان مسئلت دارم.

با احترام و اندوه - مجموعه دنیای هوادار

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

یکشنبه ۲۹ تیر ماه ۱۴۰۲

شماره ۱۸۵۵

وقتی «قطعی آب» دیگر یک حادثه نیست؛

تشنگی در سایه خاموشی!



«دنیای هوادار» از تناقض گویی مسئولان درباره آبی سفیدها می گوید؛

جَکَش دِجیتال

بر شقیقه جمهوریت؟

یاد و خاطر شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی

۱۲ روزه رژیم جعلی بویژه

«غلامرضا اوجانی» گرامی باد



سرمقاله

تبعات سنگین اینترنت طبقاتی در جامعه

سارانصرتی

اینترنت طبقاتی به این معناست که کاربران مختلف به قسمت‌های مشخص شده‌ای از اینترنت دسترسی دارند و هر بخش فقط مخصوص یک قشر از جامعه است. طبقاتی بودن اینترنت به گونه‌ای است که طبق آن دانشجویان و دانش آموزان یک سطح، کسب و کارها به یک سطح، افراد سیاسی و مدیران و مسئولان هم به سطح دیگری از اینترنت طبقاتی دسترسی خواهند داشت. اینترنت‌های طبقاتی یا فیلترینگ گسترده برای محدودیت پلتفرم‌های خارجی و تقویت پیام‌رسان‌های ایرانی ایجاد شده است. در صورتی که اجرای این طرح پیامدهای بسیار بدی به همراه خواهد داشت. اینترنت طبقاتی به یک بحران عمیق اجتماعی و اقتصادی دامن خواهد زد. از منظر اجتماعی، محدودیت دسترسی به اینترنت با کیفیت برابر، به معنای محروم کردن بخش گسترده‌ای از مردم از فرصت‌های آموزشی و فرهنگی است. در حوزه اقتصادی، کسب و کارهای کوچک و استارت‌آپ‌ها که وابسته به اینترنت پرسرعت و پایدار هستند، با مشکلات جدی مواجه می‌شوند. شوربختانه یک نظام سهمیه‌بندی برای طبقات خاص اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که این امر موجب تبدیل جامعه به گروه برخوردار، کم‌برخوردار، غیربرخوردار و نظایر آن از اینترنت پرسرعت بین‌المللی بدون فیلتر می‌شود که نتیجه‌ای جز بی‌عدالتی اجتماعی و شکاف آگاهی، شکاف اجتماعی و شکاف دیجیتال در جامعه ایرانی نخواهد داشت و جامعه را به فرادستان برخوردار و فردوستان بی‌نصيب و کم‌نصيب تبدیل می‌کند. همچنین نتایج اقتصادی حاصل از این نظام طبقه بندی و سهمیه بندی دوباره به شرکت‌ها و افراد رانتر و دارای نفوذ سیاسی و اقتصادی بالا خواهد رسید. تجربه نظام دو نرخی و چند نرخی ارز در سال‌های گذشته نیز نشان داد که جامعه و شهروندان از رانت این امتیازات بی‌بهره بودند و تنها طبقات خاصی از آن بهره‌مند شدند. سخن پایانی؛ در حال حاضر این طرح به طور کامل اجرا نشده و نیاز به زمان دارد زیرا هنوز زیر ساخت‌های لازم برای اینترنت ملی وجود ندارد. انجام مقررات و توسعه پیام‌رسان‌های ملی بسیار خوب است. اما طرح صیانت و یا اینترنت طبقاتی باعث بیشتر شدن تنش‌های اجتماعی و فساد اقتصادی، کاهش کیفیت خدمات اینترنتی، کاهش سرمایه اجتماعی نظام سیاسی می‌شود. پرسش‌های فراوانی در رابطه با اینترنت طبقاتی مطرح شده است. با این حال تاکنون هیچ یک از مسئولان مربوطه پاسخ شفافیتی به چگونگی اجرای اینترنت طبقاتی ندادند؛ و فعلاً مشخص نیست برای پیاده سازی این طرح به طور مشخص چه برنامه‌هایی از سوی سازمان‌ها در نظر گرفته شده است.

دولت جولانی اعلام آتش‌بس کرد

نهاد موسوم به ریاست جمهوری سوریه در بیانیه‌ای اعلام کرد: در سایه شرایط حساس کشور و در راستای جلوگیری از ریختن خون مردم سوریه و حفظ یکپارچگی این کشور و همچنین در راستای مسئولیت ملی و انسانی، ریاست جمهوری سوریه آتش بس فراگیر و فوری اعلام می‌کند. ریاست جمهوری سوریه از همه می‌خواهد که زمینه را فراهم کنند تا نهادهای دولتی و نیروهای آن آتش بس را به طور مسئولانه اجرا کنند تا ثبات در این کشور ایجاد شده و خونریزی‌ها متوقف شود. ریاست جمهوری از تمام طرف‌ها بدون استثنا می‌خواهد که به این تصمیم پایبند باشند، تمام درگیری‌ها فوراً در تمامی مناطق متوقف شود، محافظت از غیرنظامیان تضمین شود و کمک‌های بشردوستانه بدون هیچ مانعی به مردم برسد.

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴ شماره ۱۸۵۵

دنیای سوادادار

دیداری در سایه توپ و ترویز

بازی بزرگ در پکن

مهرداد تیموری

در جهانی که نظم قدیم هر روز بیشتر از دیروز فرو می‌پاشد، چین آماده می‌شود میزبان صحنه‌ای باشد که ممکن است نقطه عطفی در سیاست بین‌الملل قرن بیست و یکم لقب بگیرد: دیدار احتمالی ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ، به میزبانی شی جین‌پینگ. آنچه در نگاه اول شاید شایعه‌ای دیپلماتیک بنظر برسد، در بستر رخدادهای شتاب‌زده و پرتنش جنگ اوکراین، نشانه‌ای از تغییر مسیر در دالان‌های سرد جنگ و بی‌اعتمادی است.

در حالی که زلنسکی دستور از سرگیری مذاکرات با روسیه را داده و صدراعظم آلمان با نارضایتی از کندی و ناکارآمدی سیاست اتحادیه اروپا در قبال کی‌یف سخن می‌گوید، توازن قوا به نفع اردوگاه دیپلماسی در حال چرخش است. اما شاید مهم‌تر از همه، چراغ‌های خاموشی باشد که در واشنگتن علیه زلنسکی روشن شده؛ از کنار گذاشتن احتمالی‌اش گرفته تا تحمیل توافقی که هنوز او تمایلی به آن نشان نمی‌دهد.

روایت‌ها در سطوح رسمی، به‌ویژه در کرم‌لین، همچنان با احتیاط به دیدار احتمالی ترامپ و پوتین می‌نگرند. اما واقعیت ژئوپلیتیکی چیز دیگری می‌گوید: چین به‌عنوان بازیگر تازه و مدعی همزونی جایگزین، علاقه‌مند است «لحظه کمپ‌دیوید» خودش را خلق کند؛ همان‌گونه که نیکسون و ماو در دهه ۱۹۷۰ آغازگر عصری تازه شدند.

شی جین‌پینگ با دعوت همزمان از دو رقیب بزرگ یکی در حال جنگ و دیگری در میانه رقابت انتخاباتی-خود را در مقام داور معرفی می‌کند که هم نفوذ نظامی دارد و هم قدرت اقتصادی. آنچه محتمل می‌نماید، نه فقط یک دیدار نمادین، که آغاز بازطراحی سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی پس از جنگ اوکراین

است. از سوی دیگر، ترامپ در موضع ضعف انتخاباتی نیست. بازگشتش به کاخ سفید نفع‌ها محتمل، که نزد بسیاری قطعی بنظر می‌رسد. و از همین حالا در حال طراحی میزهایی است که پس از ورود به دفتر بیضی‌شکل، بتواند بی‌درنگ بر آن‌ها مهر خود را بکوبد. دیدار با پوتین در پکن، یکی از همین میزهاست.

زلنسکی، مهرهای که دیگر شطرنج‌باز نیست؟

تحلیل‌گر برجسته آمریکایی، سیمور هرش، به‌صراحت از احتمال کنار گذاشته شدن زلنسکی از سوی واشنگتن سخن گفته و جایگزینی‌اش با والری زالوژنی را محتمل دانسته. هرش تنها نیست. حتی در داخل آمریکا، اکنون بسیاری معتقدند که زلنسکی، با عدم انعطاف در برابر روند مصالحه، به مانعی برای پایان جنگ تبدیل شده است. برای دولت آمریکا، ادامه حضور زلنسکی هزینه‌زا شده است: او نفع‌ها قار به پیروزی نظامی نیست، بلکه در فضای داخلی نیز محبوبیتش به‌شدت کاهش یافته و فساد ساختاری دولت‌ش بر سر زبان‌ها افتاده. این در حالی است که هم ایالات متحده و هم اروپا دیگر توان اقتصادی حمایت بلندمدت از اوکراین را ندارند.

در این بستر، چین ممکن است نقشی تاریخی ایفا کند: تبدیل بحران اوکراین به فرصتی برای نمایش «صلح به سبک شرق». دیداری با پوتین و ترامپ می‌تواند آغازگر مرحله‌ای باشد که در آن نه تنها جنگ اوکراین، بلکه نوعی توازن نوین در سیاست جهانی ترسیم شود.

در میانه این آشوب، آلمان و فرانسه دشواری‌های تازه‌ای مواجه شده‌اند. نه فقط از منظر اخلاقی که باید به یک جنگ ادامه‌دار سوخت برسانند، بلکه از نظر عملی نیز درگیر بحران کمبود تسلیحات‌اند. گزارشی از بیلد حکایت از آن دارد که آمریکا در دوران ترامپ از تحویل تسلیحات خودداری کرده و اروپا را مکلف به تأمین آن کرده است. حتی بریتانیا هم به این «طرح خرید از آمریکا برای اوکراین» پیوسته است. در واقع، ترامپ با

رویداد

حرف اول



نبوغ خاص خود در معاملات، هم تسلیحات خود را به قیمت بالا می‌فروشد، هم مسئولیت جنگ را به گردن دیگران می‌اندازد. این در حالی است که همان دیگران، یعنی اروپا، حالا هم به تنگنا رسیده‌اند و هم نگران گسترش جنگ به مرزهای خود هستند.

صحنه پکن، مقدمه جهان پس‌اگرایی؟

درست همان‌طور که جنگ جهانی دوم منجر به تأسیس سازمان ملل شد، و پایان جنگ سرد به فروپاشی بلوک شرق انجامید، شاید بحران اوکراین هم رویدادی «نقطه‌گذار» در تاریخ باشد. دیدار احتمالی پوتین و ترامپ در چین، اگر رخ دهد، صرفاً یک دیدار دیپلماتیک نخواهد بود. این دیدار - در صورت تحقق - نشانه‌ای از آغاز جهان پس‌انانو، جهان چندقطبی با محوریت چین، و جهان معاملات مستقیم است.

در این جهان، دیگر خبری از ائتلاف‌های سنتی نیست. مفاهیمی چون «دشمن مشترک» یا «دفاع از دموکراسی» جای خود را به «سود مشترک» و «توافق نهایی» خواهند داد. و آن‌کس که هنوز در بازی قهرمان و قربانی مانده باشد، دیر یا زود از قطار جهانی سیاست پیاده خواهد شد.

شاید زلنسکی، آخرین رهبر از نسلی باشد که هنوز فکر می‌کرد غرب، تا آخر، پشتش می‌آید. اما سیاست خارجی، نه زمین بازی وفاداری، که صحنه منافع است. و هرکه از فهم این منطق جا بماند، به‌راحتی قربانی می‌شود، نه به‌دلیل توطئه، بلکه به‌خاطر بی‌خبری از بازی.

زند بیدارباش در پشت سدهای خالی به صدا درآمد؛ آژیر قرمز آب در پایتخت

داوود سلیمانچی

تهران، کلانشهری که روزگاری در سایه سدهای پرآب خود نفس می‌کشید، اکنون با بحرانی مواجه است که نفع‌ها زیست‌محیطی، بلکه اجتماعی، اقتصادی و امنیتی نیز تلقی می‌شود. طبق اعلام رسمی وزارت نیرو، ذخایر آبی در پشت سدهای پنج‌گانه تهران به حدود ۱۴ درصد از ظرفیت کل مخازن رسیده است؛ رقمی که برای یک کلانشهر با جمعیت بیش از ۱۰ میلیون نفر به‌منزله آژیر قرمز است.

تهدید جدی در افق نزدیک

وزیر نیرو به‌صراحت اعلام کرده است: «احتمال دارد در یک ماه آینده سد ماملو از مدار تأمین آب خارج شود و به دنبال آن، سدهای لتیان، لار و کرج نیز یکی‌یکی از مدار خارج شوند». این سخنان به معنای آن است که منبع اصلی تأمین آب شرق و شمال شرق تهران، در آستانه خشکی کامل قرار دارد و در صورت تداوم شرایط، بخش‌های وسیعی از شهر با قطع آب یا جیره‌بندی مواجه خواهند شد.

بررسی داده‌های اقلیمی نشان می‌دهد که تهران برای پنجمین سال پیاپی با کاهش چشمگیر بارندگی

مواجه بوده است. نفع‌ها میزان بارش کاهش یافته، بلکه توزیع زمانی و مکانی آن نیز به‌شدت نامنظم شده است؛ به‌گونه‌ای که باران‌های کوتاه‌مدت و غیرقابل جذب جای بارش‌های آرام و موثر گذشته را گرفته‌اند. این روند، تغذیه‌ی طبیعی سدها و سفره‌های زیرزمینی را مختل کرده است.

آیا مقصر فقط آسمان است؟

پاسخ این پرسش قطعاً منفی است. در حالی که تغییرات اقلیمی سهمی انکارناپذیر در بحران دارد، اما نمی‌توان از مسئولیت‌های مدیریتی و مردمی غافل شد:

۱. راحل‌ها مشخص‌اند، اما اراده جمعی و سرعت عمل در اجرای آن‌ها حیاتی است:

۲. کاهش فوری و جدی مصرف خانگی: شهروندان باید بدانند حتی کاهش روزانه‌ی ۱۰ لیتر آب توسط هر نفر می‌تواند در سطح شهر، هزاران مترمکعب صرفه‌جویی ایجاد کند.

۳. نوسازی شبکه آبرسانی: دولت باید پروژه‌های تعمیر، اصلاح و بهسازی لوله‌های فرسوده را در اولویت فوری قرار دهد.

۴. استفاده مجدد از آب‌های خاکستری: شست‌وشوی

خودرو با سطل، استفاده از پساب لباس‌شویی برای آبیاری گیاهان و موارد مشابه، باید به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود.

۵. سرمایه‌گذاری در آب‌شیرین‌کن‌ها و تصفیه‌خانه‌های پساب: تهران نمی‌تواند تنها به سدهای طبیعی تکیه کند. فناوری‌های نوین باید جایگزین روش‌های سنتی تأمین آب شوند.

۶. آموزش عمومی از سنین پایه: رسانه‌ها، مدارس و مساجد می‌توانند نقش مؤثری در آگاهسازی جامعه ایفا کنند.

در صورت بی‌توجهی به هشدارها، جیره‌بندی آب در تهران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اولین نشانه‌ها می‌تواند کاهش فشار، قطعی‌های پراکنده و محدودیت در ساعات توزیع باشد. این سناریو، نه فقط تهدیدی برای رفاه عمومی، بلکه چالشی برای امنیت اجتماعی است. بحران آب، فراتر از یک موضوع تخصصی حوزه منابع طبیعی است. این یک هشدار عمومی برای سبک زندگی، ساختار مصرف، و نگاه ما به محیط‌زیست است. تهران تشنه، به اقدام همگانی ما نیاز دارد؛ به درکی عمیق از اهمیت آب، و به همتی جمعی برای حفظ آن. فردا دیر است؛ امروز باید آغاز کنیم.

۹۴۷ زندانی در ندامتگاه قزلحصار کرج مشغول تحصیل هستند

مدیر مجتمع ندامتگاهی قزلحصار کرج گفت: در زمان حاضر ۹۴۷ زندانی در این ندامتگاه در مقاطع مختلف مشغول تحصیل هستند
اله کرم عزیزی اظهار کرد: این زندانیان از مقطع سوادآموزی تا آموزش عالی با هدف توانمند سازی و ارتقای دانش تحت پوشش آموزش تحصیلی قرار گرفته اند.
وی اضافه کرد: از مجموع این افراد، ۷۸۸ نفر در مقطع سوادآموزی، تحکیم و انتقال، ۳۴ نفر در طرح جامع، ۸۵ نفر در هنرستان کار و دانش، ۳۶ نفر در مقاطع کاردانی و کارشناسی، سه نفر در مقطع کارشناسی ارشد و یک نفر در مقطع دکترا تحصیل می کنند.



۳ در شهر

دنیای سوادار

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۵

از «البرز» چه خبر؟

از رنگ آمیزی ماشین های کرج تا شهادت در خاکریزهای زبیدات



همچون خورشیدی در دل همزمان و خانواده اش می درخشد.
شهید «علی ابوالحسنی»، این فرزند برومند کرج، نه تنها در زندگی ساده و پرتلاشش الگویی از ایثار بود بلکه در شهادت نیز به اسوای تبدیل شد که راهش پرهرو باد. روح بلندش در بهشت برین با شهدا همنشین است و نامش در تاریخ این سرزمین جاودانه خواهد ماند. سلام بر علی ابوالحسنی، که در خاک زبیدات گمنام شد اما در دل تاریخ ماندگار شد.

صبر و تلاش خود رنگین می کرد.
پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی با وجود سن کم، دلش برای خدمت به انقلاب پر می زد و به عضویت بسیج پایگاه فردیس درآمد. در تمام فعالیت های اجتماعی پیشگام بود و با عشق سوزان به آرمان های امام خمینی (ره) خدمت می کرد. همیشه با احترام به والدین و دلسوزی برای دیگران شناخته می شد و هیچگاه باری رسانی به زیردستان را فراموش نمی کرد. وقتی زمان سربازی فرا رسید با عزمی راسخ داوطلب شد و با افتخار لباس مقدس سربازی را بر تن کرد. پس از گذراندن دوره آموزش نظامی، بی درنگ به جبهه های جنوب و غرب اعزام شد تا در خط مقدم نبرد حق علیه باطل بایستد.

در جبهه های نبرد، علی ابوالحسنی به سربازی شجاع و فداکار تبدیل شد که همواره در قلب حماسه ها حضور داشت. در منطقه عملیاتی زبیدات، درگیر نبردی سهمگین با دشمن بعثی شد و در بیست و یکم تیرماه ۱۳۶۷، پس از رزمی جانانه و حماسه آفرینی های بی نظیر، مفقودالثر شد. تا امروز، پیکر پاک این سرباز گمنام به میهن بازنگشته است، اما یاد و خاطره اش

از رنگ آمیزی ماشین های کرج تا شهادت در خاکریزهای زبیدات؛ زندگی کوتاه اما پرتنین شهید «علی ابوالحسنی» است که بابتدیلی شگفت انگیز از نقاشی خودروهای عادی تا هنرمندی در صحنه های نبرد در آذهن مانده است.
این سرباز گمنام که با دستان هنرمندش هم رنگ می زد و هم می جنگید، سرانجام در ۲۱ سالگی، تابلوی آخرین اثرش را با خون خود در خاک عراق ترسیم کرد، در سپیدهدم نخستین روز تیرماه ۱۳۶۷، در خانه ای ساده اما سرشار از ایمان در کرج، فرزندی پاک قدم به جهان گذاشت که نامش را علی نهادند. از همان کودکی، نور شجاعت و مهریانی در چشمانش می درخشید و دلش به عشق خدا و اهل بیت (ع) می تپید.

به گفته دوستان و اهل محله او دوران کودکی را در دامن پدری سختکوش و مادری پر مهر سپری کرد و در هفت سالگی با شوقی وصف ناشدنی پا به مدرسه گذاشت. تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواند، اما به دلیل شرایط زندگی و برای کمک به خانواده به کار نقاشی ماشین روی آورد چراکه دستان هنرمندش نه تنها رنگ به بدنه ماشین ها می زد، بلکه زندگی را نیز با

آمادگی بنیاد مستضعفان برای حل و فصل مشکلات ملکی در البرز

آموزش و پرورش، منابع طبیعی و شهرداری ها با سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان تأکید کرد.
وی اظهار کرد: بخش زیادی از این اختلافات سالهاست که حل نشده باقی مانده اند، اما امروز با رویکردی تعاملی و همراهی تمامی دستگاه ها، تلاش داریم تا این موضوعات به نتیجه برسند و به نفع مردم استان خاتمه یابند.
عبداللهی افزود: برخی از مسائل مانند تملکات و تعیین تکلیف اراضی آموزشی، کانال های مرتبط با آموزش و پرورش، و موانع توسعه شهری نیاز به همفکری و همکاری همه جانبه دارد. همه دستگاه ها باید فراتر از نگاه بخشی، به منافع عمومی توجه کنند.
استاندار البرز با قدردانی از حضور و همراهی رییس سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان، ابراز امیدواری کرد که توافقات نهایی در این جلسه، راهگشای حل اختلافات مشابه در سایر مناطق استان نیز باشد.

ظرفیت بالایی برای حل مسائل وجود دارد.
وی گفت: در بنیاد مستضعفان، ضمن صیانت از اموال بنیاد، وظیفه داریم بخشی از درآمدهای حاصله را در راستای محرومیت زدایی و توسعه متوازن در استان ها هزینه کنیم.
شاه علی تأکید کرد: آمادگی داریم تا در استان البرز نیز بخشی از منابع توافقات مشترک با دولت به این مهم اختصاص یابد.

وی با اشاره به لزوم تسریع در تعیین تکلیف اراضی مورد اختلاف با آموزش و پرورش، شهرداری ها و منابع طبیعی استان، تأکید کرد: اگر دستگاه های اجرایی با رویکرد تعاملی وارد شوند، بنیاد نیز آماده است با انعطاف لازم، راه حل های کارشناسی را برای اجرای پروژه های عمومی و شهری ارائه دهد.
استاندار البرز نیز در این نشست گفت: حل اختلافات با بنیاد مستضعفان با هدف تامین منافع مردم در دستور کار قرار گرفت.
«مجتبی عبداللهی»، بر لزوم حل و فصل اختلافات سنواتی میان دستگاه های اجرایی استان از جمله



رییس سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان از آمادگی این سازمان برای تعیین تکلیف املاک خود و رفع اختلاف با آموزش و پرورش، شهرداری ها و منابع طبیعی استان البرز خبر داد.
ابوالفضل شاه علی روز شنبه در نشست مشترک با مدیران استانی و استاندار البرز با بیان اینکه بخش زیادی از اختلافات اراضی بنیاد مستضعفان با نهادهای دولتی و عمومی ریشه در گذشته دارد، افزود: در استان هایی مانند فارس، توافقی نهایی و اجرایی شده و البرز نیز با توجه به نزدیکی نظرات،

ضرورت ایجاد هشت هنرستان فنی و حرفه ای در فردیس

مسولان درخواست همکاری داریم تا در این راستا اقدامات لازم انجام شود.
وی در مورد اوقات فراغت دانش آموزان بیان کرد: شهرستان فردیس فاقد اردوگاه و کانون های لازم برای این منظور است؛ امکانات موجود در مدارس فردیس محدود است و همچنان نیاز به مشاوره برای بیش از ۸۰۰ دانش آموز داریم که وضعیت نگران کننده ای دارند.
گودرزی افزود: ما پیگیر مشکلات مربوط به ساختمان های آموزشی در منطقه هستیم و امیدواریم که با همکاری نهادهای مختلف بتوانیم این مشکلات را حل کنیم.

شهرستان فردیس متقاضی تحصیل در رشته های هنرستانی هستند به همین دلیل، درخواست داریم تا چهار هنرستان دخترانه و چهار هنرستان پسرانه در این شهرستان تأسیس شود؛ میانگین تعداد دانش آموزان در هر کلاس هنرستان بین ۲۰ تا ۲۵ نفر است؛ در حالی که در برخی موارد این تعداد به ۴۴ نفر نیز می رسد.
گودرزی اظهار کرد: همچنین، نیاز به ۹۱ مدرسه جدید در شهرستان فردیس احساس می شود.
مدیر اداره آموزش و پرورش فردیس گفت: در زمان حاضر ۱۲ قطعه زمین برای ساخت مدرسه در این شهرستان مشخص شده است که از خیرین و

مدیر اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ کرج و شهرستان فردیس گفت: با توجه افزایش متقاضی رشته های مهارتی این شهرستان نیازمند ساخت و راه اندازی هشت هنرستان فنی و حرفه ای است.
ابوالحسن معظمی گودرزی روز شنبه در نشست شورای آموزش و پرورش شهرستان فردیس با محوری بررسی موضوعات سوادآموزی، نهضت ساخت مدارس، اوقات فراغت و کلاس های تقویتی مدارس برگزار شد، افزود: اکنون، مردم به دنبال رشته های مختلف تحصیلی به ویژه رشته رایانه هستند که نیاز به زیرساخت های مناسب دارد.
وی اضافه کرد: بیش از ۵۰ درصد دانش آموزان

مکث

وقتی «قطعی آب» دیگر یک حادثه نیست؛

تشنگی در سایه خاموشی!

حمید رشید

در روزهایی که گرمای سوزان تیرماه نفس ها را تنگ کرده و مصرف آب به اوج رسیده، ساکنان مناطقی از کرج، فردیس و مهرشهر با پدیده ای تلخ و آشنا روبه رو شده اند: «قطعی آب». اما آنچه در ابتدا ممکن است یک اختلال موقتی در تأمین آب به نظر برسد، نشانه ای است از بحرانی ساختاری، عمیق و در حال وخیم تر شدن. بحرانی که حالا دیگر نه فقط ناشی از کمبود بارش یا کاهش سطح مخازن، بلکه ریشه در ضعف در حکمرانی منابع، فقدان راهبرد مصرف پایدار، و بی عدالتی در توزیع دارد.

شرکت آبفای استان البرز، در اطلاعیه ای رسمی، دلیل این قطعی ها را افت شدید سطح آب سدهای کرج و طالقان (تا حدود ۵۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل) اعلام کرده و در کنار آن به خاموشی چاه های تأمین کننده و پایین رفتن سطح آب مخازن اشاره کرده است. این دلایل فنی، در جای خود قابل تأمل اند. اما آیا همه حقیقت در همین چند سطر فنی خلاصه می شود؟ یا باید از خود پرسیم: چرا اساساً این زیرساخت ها تاب مواجهه با بحران های دوره ای آب را ندارند؟

واقعیت این است که استان البرز، با بیش از یک میلیون و سیصد هزار مشترک، از سال ها پیش با رشد جمعیت و بارگذاری بی رویه شهری، تبدیل به یکی از کانون های تنش آبی کشور شده. خانه هایی بدون مجوز، ویلاهایی که چاه شخصی دارند، مناطق مسکونی که بدون رعایت ظرفیت آبی منطقه توسعه یافته اند و سیاست هایی که به جای «مدیریت تقاضا»، صرفاً به «افزایش عرضه» متکی بوده اند، همگی در شکل گیری این وضعیت نقش داشته اند. قطعی آب، برای برخی از ساکنان محله های کم برخوردار، دیگر «موقت» نیست. به یک عادت، به یک اضطراب روزمره بدل شده است. خانواده هایی که باید در گرمای تابستان ساعت ها منتظر باز شدن شیر آب بمانند؛ مادرانی که نمی دانند شستن لباس را باید به چه زمانی موکول کنند؛ و کودکانی که در خانه های بدون مخزن ذخیره، تشنه به خواب می روند. در چنین شرایطی، توصیه های رسمی آبفا - از نصب مخازن ۴۰۰ لیتری گرفته تا پرهیز از شستن خودرو و استخر - اگرچه درست اند، اما نباید به مثابه فرار از مسئولیت های نهادین تلقی شوند. چرا هنوز با گذشت بیش از یک دهه از هشدارهای رسمی درباره بحران آب، فرهنگ سازی عمومی و آموزش های مستمر به اندازه لازم نهادینه نشده است؟ چرا تنها وقتی بحران به صورت قطعی ظاهر می شود، تازه مسئولان به یاد نقش مردم در «صرفه جویی» می افتند؟

در سوی دیگر، نگاهی به وعده های مسئولان هم نیازمند دقت است. مدیرعامل شرکت آبفا البرز از آماده سازی پنج مخزن بزرگ برای ورود به مدار فعالیت خبر داده. این خبر، گرچه امیدوارکننده به نظر می رسد، اما نباید ما را از این پرسش مهم غافل کند که: آیا همچنان قرار است راه حل مشکلات مزمن آب، صرفاً در «زیرساخت سازی» جست و جو شود؟ یا زمان آن رسیده که سیاست گذاری های هوشمندانه، عدالت محور و مشارکت جویانه در دستور کار قرار گیرد؟ نکته دیگر، سکوت رسانه ای و اجتماعی در برابر چنین بحران هایی است. تا وقتی صدای مردم فقط در قالب چند تماس تلفنی به خبرگزاری ایرنا محدود می ماند، تا وقتی آب به کالایی بی صدا تبدیل شود، احتمال بروز جنبش های اعتراضی در آینده ای نه چندان دور وجود دارد. بحران آب، اگر با نابرابری اجتماعی گره بخورد، می تواند به بحران امنیتی بدل شود. همان طور که در تجربه دشت های تشنه اصفهان و خوزستان دیدیم.

آب، در نهایت، فقط مایع حیات نیست؛ آینه ای است از نحوه مدیریت، اولویت گذاری و عدالت در یک جامعه. و وقتی این آینه ترک برمی دارد، ما ناچاریم با تصویر خود را در آن درست ببینیم یا چشم ها را ببندیم و عطش را طبیعی جلوه دهیم. اما عطش، طبیعی نیست. به ویژه در شهری که هنوز صدای آب از لوله های برخی محله ها شنیده نمی شود.

گام‌های تغییر اقلیم از درختان تندتر است

یافته‌های جدید پژوهشگران نشان می‌دهد جمعیت درختان معمولاً به ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال زمان نیاز دارند تا به گرمایش واکنش نشان دهند که این مدت زمان، برای تغییرات سریع امروزی بسیار کند به‌شمار می‌آید؛ بنابراین مداخله انسان‌ها برای کمک به آن‌ها ضروری است.

به گزارش «دنیای هوادار»، ویگاه سای‌تک‌دیلی در گزارشی آورده است: دانشمندان هشدار می‌دهند که جنگل‌ها ممکن است نتوانند با سرعت فزاینده تغییر اقلیم همگام شوند؛ این موضوع ممکن است سلامت و بهره‌وری آن‌ها را در بلندمدت تهدید کند.

«تغییر اقلیم» به معنای تغییرات بلندمدت در الگوهای آب‌وهوایی یک منطقه یا کل جهان است. این تغییرات می‌تواند شامل افزایش یا کاهش دما، تغییر در الگوهای بارش، افزایش وقوع رویدادهای آب‌وهوایی شدید مانند خشکسالی یا سیل، و تغییر در سطح دریاها باشد.

گونه‌های درختی در نیمکره شمالی طی هزاران سال با تغییرات دما سازگار شده‌اند. در طول عصر یخبندان، درختان در جست‌وجوی شرایط گرم‌تر به‌تدریج به سمت جنوب حرکت کردند و دانه‌های آن‌ها از طریق باد و حرکت حیوانات پخش شد.

وقتی زمین دوباره گرم شد، همان گونه‌ها به آرامی به شمال مهاجرت کردند. با این حال، تغییر درختان بالغ بسیار کند اتفاق می‌افتد، زیرا دهه‌ها یا حتی قرن‌ها زندگی می‌کنند. امروزه آب‌وهوا با سرعتی بسیار فراتر از توانایی پاسخ طبیعی جنگل‌ها در حال گرم‌شدن است که به شکافی فزاینده بین تغییرات محیطی و سازگاری بوم‌شناختی (اکولوژیک) منجر می‌شود.

بر اساس مقاله جدیدی که در مجله ساینس / علم (Science) منتشر شده، معمولاً ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال طول می‌کشد تا زیست‌بوم‌های (اکوسیستم‌های) جنگل به تغییرات اقلیمی واکنش نشان دهند. دیوید فاستوویچ (David Fastovich)، نویسنده اصلی مقاله و پژوهشگر پسادکتری در دانشگاه سیراکیوس، این تأخیر در جابه‌جایی جمعیت درختان را شناسایی کردند.

گروه پژوهشی فاستوویچ برای فهم بهتر زمان طولانی این واکنش، گرده‌هایی را که در رسوبات دریاچه محفوظ مانده بود، تجزیه و تحلیل کردند. قدمت این گرده‌ها به ۶۰۰ هزار سال پیش برمی‌گردد و این امکان را برای دانشمندان فراهم کرد که نحوه واکنش معمول جنگل‌ها به تغییرات اقلیمی را از آن زمان تا کنون بررسی کنند.

پژوهشگران دریافتند که جنگل‌ها در مقیاس‌های زمانی سال‌ها و دهه‌ها، معمولاً به آرامی تغییر می‌کنند. با این حال، پس از حدود هشت قرن، تغییرات جنگل‌ها تمایل به افزایش دارند که به تغییرات اقلیمی طبیعی مرتبط است.

آن‌ها پی بردند جنگل‌ها برای سالم‌ماندن به مداخله بیشتر انسان‌ها نیاز خواهند داشت که در این زمینه، مهاجرت یاری‌شونده ممکن است ابزاری مؤثر باشد. مهاجرت یاری‌شونده به معنای کاشت درختان متعلق به مناطق دارای آب و هوای گرم، در مکان‌های سردتر است. هدف از این کار کمک به جنگل‌هاست تا بتوانند با وجود گرم‌شدن زیستگاه‌هایشان در اثر تغییرات اقلیمی با شرایط هماهنگ و شکوفا شوند.

فاستوویچ خاطرنشان می‌کند که سازگاری جنگل با اقلیم، فرآیندی آهسته و پیچیده خواهد بود که نیازمند راهبردهای مدیریتی ظریف و بلندمدت است.



آب، مناسب‌ترین نوشیدنی در روزهای گرم سال

دکتر «مرضیه اکبرزاده»- عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز- ضمن بیان این موضوع که تمام واکنش‌های شیمیایی بدن در محیط آبی اتفاق می‌افتد، بر حفظ حجم آب بدن در فصل گرما تأکید کرد و آب را مناسب‌ترین نوشیدنی در این زمینه برشمرد.

او با بیان اینکه آب، مناسب‌ترین نوشیدنی برای تأمین میزان آب بدن، به ویژه در روزهای گرم سال است، اظهار کرد: در فصل گرما به دلیل افزایش تبخیر از سطح پوست و ریه‌ها، اهمیت توجه به حفظ آب موردنیاز بدن ضرورت دارد و بر همین اساس لازم است نسبت به جبران مایعات از دست رفته بدن اقدام کنیم. نوشیدن آب به صورت جرعه جرعه و در طول روز را به یاد داشته باشیم.

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴ شماره‌گان ۱۸۵۵

دنیای سوادار

جمعه

گزارش

چرا طب سنتی در ساختار آموزش پزشکی، عقب‌گردد با هزینه ملی است؟

دانشگاه یا عطاری؟!

متافیزیکی و نقل‌قول‌های سلسله‌وار مبتنی بودند. ورود این مجموعه به دانشگاه، از اساس با منطق نهاد علم تعارض دارد. دانشگاه محلی‌ست برای تردید، پرسشگری، بازنمایی؛ اما باورمندان به طب سنتی با هرگونه نقد علمی به‌مثابه توهین به «هویت ملی» یا «دین» برخورد می‌کنند. این همان وضعیتی‌ست که جامعه‌شناس آمریکایی، راسل جاکوبی، از آن به‌عنوان «ضدروشنگری پنهان در نهادهای مدرن» یاد می‌کند: ورود تفکرات ماقبل‌علم به دل ساختارهای علمی با حمایت قدرت. به‌طور مشخص، «شبه‌علم» با دو ابزار اصلی گسترش می‌یابد: نخست، روایت‌هایی عوام‌پسند که با زبانی ساده، راه‌حل‌های معجزه‌وار وعده می‌دهند (مثلاً درمان سرطان با دمنوش یا حجامت)، و دوم، بهره‌برداری سیاسی از احساسات ملی و دینی برای مشروع‌سازی جایگاه خود.

فاجعه زمانی عیان‌تر می‌شود که ببینیم طب سنتی نه فقط در حاشیه، بلکه در متن آموزش پزشکی رسمی، در سرفصل‌ها، امتحانات، و حتی بودجه‌های پژوهشی نفوذ کرده است. این یعنی جایگزین کردن داده‌های قابل تکرار با افسانه، جایگزینی نظریه با اسطوره، و جایگزینی آزمایشگاه با عطاری. سؤال اصلی اینجاست: در جهانی که دانش پزشکی با سرعتی خیره‌کننده به‌سوی پزشکی شخصی‌سازی‌شده و ژن‌درمانی پیش می‌رود، ما چگونه می‌توانیم با نسخه‌های مبتنی بر «سودا» و «بلغم» به مقابله با بحران‌های نوپدید سلامت (از پاندمی گرفته تا سرطان‌های مقاوم به درمان) بپردازیم؟

ماجرای ورود طب سنتی به دانشگاه‌ها، صرفاً یک تصمیم آموزشی یا فرهنگی نیست. این یک گره فلسفی‌ست میان علم و قدرت؛ میان عقلانیت مدرن و روایات اسطوره‌ای. و بدتر از آن، گره‌ای‌ست که با تداومش، نه‌تنها نظام سلامت را به حاشیه می‌برد، بلکه عقلانیت عمومی جامعه را تضعیف می‌کند. در علم، همه چیز باید مورد تردید قرار گیرد، حتی نظریات قدیمی و معتبر. اما در شبه‌علم، ادعا جایگزین دلیل می‌شود. همان‌طور که ملک‌زاده گفت، حتی اگر ابن‌سینا هم امروز زنده بود، در برابر آموزه‌های خودش می‌ایستاد و آن‌ها را آزمایش می‌کرد. چرا که بنیان تفکر علمی، نه ایمان به

فرض کنید در دوران طاعون قرون وسطی زندگی می‌کنید؛ زمانی که خون‌گیری با زالو و عطسه‌برها، تنها پاسخ بشری به بیماری‌های واگیردار بود. حالا تصور کنید که در قرن بیستم، با در اختیار داشتن پیشرفته‌ترین دانش ژنتیک، تصویربرداری پزشکی، واکسن‌های RNA و درمان‌های هدفمند، همچنان افرادی در دانشگاه‌های رسمی، به آموزش همان نسخه‌های خون‌گیری و اخلاط‌زدایی مشغولند. تناقض خنده‌داری‌ست، مگر نه؟

اما این، یک شوخی یا سناریوی علمی-تخیلی نیست. امروز، در دل ساختار رسمی آموزش پزشکی کشور، طب سنتی با تمام عناصر ناکارآمد و تأییدنشده‌اش، جایی برای خود باز کرده و در حال گسترش است. رضا ملک‌زاده، پزشک برجسته ایرانی، در هشدار اخیر خود از این مسئله به‌عنوان «خیانت به علم پزشکی» یاد کرده؛ عبارتی که نه اغراق‌آمیز است و نه صرفاً سیاسی، بلکه دقیقاً توصیف یکی از پرهزینه‌ترین عقب‌گردهای علمی در دهه‌های اخیر است.

این سطور تلاشی‌ست برای تحلیل آنچه رخ داده، آنچه دارد اتفاق می‌افتد، و آنچه ممکن است فردا تبدیل به بحران ساختاری در نظام سلامت کشور شود. آیا می‌توان بی‌هزینه به دانش هزارسال پیش برگشت؟ آیا جایگزین کردن علم با اعتقاد، صرفاً با یک مصوبه، امکان‌پذیر است؟ ما اینجا ایستاده‌ایم تا بپرسیم، واکاوی کنیم، و هشدار دهیم. وقتی طب سنتی به دانشگاه‌های علوم پزشکی راه یافت، ادعا شد که هدف، احیای میراث علمی ایرانیان و بازگشت به ریشه‌های بومی سلامت است. اما واقعیت چیز دیگری بود: فشاری سیاسی برای جا انداختن گفتمانی ضدعلم و ضدنقد، در بستری که باید قلب تپنده پژوهش‌محور کشور می‌بود.

رضا ملک‌زاده به‌درستی بر این نکته انگشت می‌گذارد که طب سنتی نه‌تنها هیچ پشتوانه کارآزمایی بالینی ندارد، بلکه در ساختار مفهومی‌اش نیز به‌دلیل اتکا بر نظریه‌های ازکارافتاده‌ای مانند «اخلاط اربعه» یا «مزاج»، اساساً توان تعامل با دانش مدرن را ندارد. مفاهیمی که حتی در زمان خود نیز بیش از آنکه بر مشاهده و آزمایش تکیه کنند، بر باورهای

رنگ‌های دارو در جلوگیری از خطاهای مصرف نقش مؤثر دارد

فرمولاسیون از جمله رنگ‌هاست.

به گفته وی، رنگ‌گذاری هدفمند در محصولات دارویی، نقش مهمی در پذیرش بهتر دارو ایفا می‌کند. به‌ویژه در گروه‌های حساس مثل کودکان و سالمندان که ظاهر قرص یا شربت می‌تواند تأثیر روانی مستقیمی بر روند مصرف داشته باشد.

رئیس اداره مواد اولیه اداره کل دارو با اشاره به جهت‌گیری جهانی در حوزه رنگ‌های دارویی افزود: حرکت به سمت استفاده از رنگ‌های طبیعی، کاهش رنگ‌های شیمیایی و تولید رنگ‌های هوشمند با فناوری‌های نوین، در دستور کار صنایع دارویی دنیا است.

رئیس اداره مواد اولیه اداره کل دارو سازمان غذا و دارو گفت: رنگ در دارو صرفاً به‌منظور زیبایی نیست، کاربرد آن فراتر از ظاهر است و در حوزه ایمنی دارویی، تمایز بین اشکال و فرم‌های مختلف، افزایش پایبندی به درمان و جلوگیری از خطاهای مصرف نقش مؤثری دارد.

محمد رضا عالمی اظهار کرد: رنگ‌هایی که در تولید دارو استفاده می‌شود باید از نظر ایمنی، سمیت، حساسیت‌زایی و میزان جذب در بدن، مطابق با استانداردهای سازمان غذا و دارو بررسی و تأیید شوند. تأمین سلامت بیماران در گرو انتخاب دقیق اجزای

و ایران نیز باید در این مسیر گام بردارد. عالمی از آمادگی سازمان غذا و دارو برای حمایت از تولید داخلی رنگ‌های دارویی خبر داد و گفت: علاوه بر کنترل دقیق کیفی، این سازمان مسیر تأمین و واردات مواد اولیه با کیفیت را نیز تسهیل کرده تا نیاز صنایع بدون وقفه پاسخ داده شود.

وی تأکید کرد: ثبت رنگ اختصاصی برای یک برند (ویژند) دارویی ایرانی و تبدیل آن به نماد هویتی در بازار، اقدامی راهبردی در حوزه برندینگ دارویی است که می‌تواند هم در داخل کشور و هم در بازارهای صادراتی اثرگذار باشد.



اعضای جدید هیات امنای انجمن موسیقی ایران معرفی شدند

اعضای جدید هیات امنای انجمن موسیقی ایران پس از صدور حکم انتصاب توسط معاون امور هنری و تأیید این احکام توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مدت چهارسال به فعالیت مشغول می‌شوند. داود گنجه‌ای (مدرس، نوازنده، پژوهشگر و عضو شورای عالی خانه موسیقی ایران)، احمد صدری (پژوهشگر، مدرس و دبیر کمیته‌های تخصصی هنری شورای ارزشیابی هنرمندان معاونت امور هنری)، علی ثابت‌نیا (پژوهشگر، مدیر تولید و ناشر آثار موسیقایی)، سحر فروزان (مدیر تولید، کارشناس حوزه اقتصاد هنر و مشاور پروژه‌های مختلف موسیقایی) اعضای جدید هیات امنای و بابک رضایی مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رئیس جدید هیات امنای انجمن موسیقی ایران معرفی شدند.



یکشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۵

دنیایکسوادار

فرهنگی

دست‌به‌نقد

روایت سه‌لایه از تجاوز، قدرت و عدالت در «وایسین دوئل»؛

مرگ برای حقیقت، رهایی برای زن

امید سلیمی

و زندگی در حاشیه و درنهایت، مطرح‌شدن بحث تجاوز لگری به‌مارگارت.

روایت اول بصورت کلاسیک مجموعه وقایع را به‌شکلی علت‌ومعلولی پشت هم می‌چیند. طبیعتاً روایتی است با تمرکز بر کشمکش‌های بیرونی تا درونی. به‌شکلی که هر واقعه، از دل واقعه دیگر بیرون آمده و نکته آنجاست که در این روایت هم داستان پیش می‌ود و هم در درک بهتر مخاطب نسبت آگاهی و شناخت از ویژگی‌های شخصیتی کاروژ را مؤثر است. نکته اصلی این روایت را می‌یابست در همان نقطه عطف دوم (تجاوز لگری به مارگارت) درنظر گرفت. چرا که این قضیه، تنها رخداد این روایت است که کاروژ در آن حضور نداشته و به‌عنوان مخاطب از حقیقی یا دروغ‌بودن آن آگاه نیستیم. کشمکش‌های قبلی میان کاروژ و لگری و خشم و کینه و حسادت که از سمت کاروژ به طرف مقابل وجود دارد، خود می‌توانند فرضیه دروغ‌بودن قضیه تجاوز را قوت ببخشند. چرا که ممکن است مارگارت به‌عنوان همسر کاروژ درنظر داشته باشد با مطرح‌شدن چنین تهمیتی از لگری انتقام گرفته و اعتبار و جایگاه قبیله همسرش را به‌خطر بیندازد. اعتباری که درست‌نقطه مقابل سقوط تدریجی کاروژ بوده و هرچقدر لگری پس از جنگ، اعتبار خود در دربار را افزایش داده، کاروژ از این مهم دور بوده و روزهای سختی را سپری می‌کند.

حال که شناخت چنان دقیقی از لگری نداریم و طبیعتاً نمی‌توانیم نیت و انگیزه‌های شخصی‌اش را هم بفهمیم و مهم‌تر از همه، تجاوزی را هم از سمت او شاهد نبوده‌ایم و تنها در خلال دیالوگ‌هایی از زبان مارگارت، بر آن آگاه شدیم، نوبت روایت دوم است که این ابهام‌ها را مرتفع سازد.

امتیاز فیلمنامه در آنجاست که روایت‌های دوم و سوم چنان جزئیاتی را دراختیار مخاطب قرار می‌دهند که هم پازل شخصیت‌پردازی اثر تکمیل شده و رفع ابهام صورت می‌گیرد، و هم درنهایت می‌توان به قضاوت عاقلانه‌تری به نسبت میان آن‌ها دست یافت. چنانچه در روایت دوم که به لگری اختصاص دارد هم او را بیشتر می‌شناسیم و هم نظاره‌گر روابطش با پیتر و سایرین هستیم. از عیاشی و بی‌پندوباری در روابط گرفته تا آگاهی بر با سودا‌اش و رسیدگی کردن به امور مالی دربار. از مشاوه دادن‌هایش به پیتر در مسائل مختلف تا برداشت اشتباهش از شخصیت مارگارت. برداشتی که موجب می‌شود لگری در سکانسی سوپرناتو، عشق‌بازی خود با مارگارت را تجربه کند و نگاهی کاملاً شهوانی و سوسوبرانگیز به او داشته باشد. سپردن قطعه زمین بارزش (که منشا خشم کاروژ به او شده و همچنین فرماندهی قلعه‌ای که تا قبل، در اختیار پدر کاروژ بوده) نیز در این روایت با پرداخت آشکارتری همراه بوده تا هر پرسش و ابهامی که در روایت قبلی متوجه او بوده رفع‌وجوع شود. گویی خشم و حسادت به‌عنوان ابزارهایی مخوف و دلهره‌آور از سمت کاروژ و لگری به‌نسبت دیگری درحال رشد بوده و همچون آتشی زیر خاکستر هر لحظه می‌تواند منجر به تقابلی فیزیکی و خونین شود. پیتر به‌عنوان لرد منطقه چنان لگری به وی پروبال می‌دهد و کاروژ را از خود دور می‌سازد (سرپیچی کاروژ در نبرد اولیه و شکایتش از پیتر بر سر قطعه زمین) که آشکارا کاروژ را در موضعی مستاصل و پریشان و آماده اقدامی خنثی‌آمیز قرار می‌دهد. در طرف مقابل، لگری را هم داریم، که اگرچه جایگاه و اعتبارش

«رایدلی اسکات» که در کارنامه هنری‌اش سابقه ساخت آثار ماندگاری همچون «بلیدرانر»، «بیگانه»، «گلدیاتور» «امپراتوری بهشت» و... را دارد، در «وایسین دوئل» ما را به قرن چهاردهم برده تا داستانی جذاب و پرکشش را با روایتی از سزاویه دید شاهد باشیم. آشکارا مهم‌ترین چالش اثر را می‌یابست در همین بحث زوایای مختلف روایت دانست. موردی که اگر درست اجرا شود، می‌تواند مخاطب را تا به انتها همراه خود ساخته و کاری کند تا زمان طولانی نمایش اثر، او را آزار ندهد و در طرف مقابل، اگر دچار خطا شود، آنگاه عملاً می‌توان از آن به‌عنوان عنصری اضافی و حتی چشم‌اسفندپار اثر یاد کرد.

وایسین دوئل خوشبختانه تا حد شایسته توجهی از پس انجام این ماموریت خطیر برآمده و نمره قابل‌قبولی در این آیتم دریافت می‌کند.

از همان افتتاحیه اثر و به کمک تدوین موازی، آگاه می‌شویم که شخصیت‌های اصلی چه افرادی بوده و همچنین گره‌خوردن سرنوشت این شخصیت‌ها به یکدیگر را در می‌یابیم. «مارگارت»، زنی است که بر لباس سفید اولیه‌اش، لباسی سیاه به تن می‌کند تا بداندیم فیلمنامه، روزهای شوم و سیاهی را برایش درنظر گرفته است. «لگری» و کاروژ نیز به‌عنوان دیگر قطب‌های اصلی روایت، آماده رزم می‌شوند. حضور نماهای بسته از لباس و ابزارالات جنگی به همراه نمایی که در آن شمشیر را در پیش‌زمینه و کاروژ را در پس‌زمینه داریم و فوکوس دوربین بر شمشیر، جملگی خبر از اثری ملتهب و خونین داده که در آن، هدف نهایی با نبرد و خشونت معنایی‌یابد.

طبیعتاً از این سزاویه دید موجود در فیلم، هر روایت می‌یابست به نسبت دیگری دارای وجوه تمایزی بوده و جزئیات و اطلاعاتی را دراختیار مخاطب قرار دهد که مخاطب وجود هرسه را ضروری و دارای کارکرد منطقی بداند.

در روایت اول، همراه «کاروژ» (مت دیمون) هستیم و روایت‌های دوم و سوم به‌تدریج، مربوط به «لگری» (آدام درایور) و «مارگارت» (جودی کومر) هستند. همانطور که می‌توان حدس زد در روایت اول تمرکز بر کاروژ بوده و دیگران حضوری کم‌رنگ داشته تا مخاطب را نسبت به انگیزه و اعمال آن‌ها، دچار ابهام و پرسش‌های بسیاری کند. در اینجا، ما با سلسله حوادثی طرفیم که با سببیتی همراه شده و آن‌ها را به سرعت و بدون وقفه به نظاره می‌نشینیم. از همان نبرد ابتدایی گرفته که در آن، غرور و تکبر و همچنین دل‌آوری و رشادت کاروژ به‌تصویر کشیده می‌شود (نبردی اگرچه کوتاه اما با دکوپاژی استاندارد که ابتدا با اکسیریم لانگ‌شات، موقعیت دشمن را تصویرسازی می‌کند و در ادامه، دوربینش را به دل نبرد برده و با نماهایی بسته‌تر، اوج وحشی‌گری و التهاب حاکم بر نبرد را تصویرسازی می‌کند) تا وقایع پس از جنگ که در آن‌ها آشکارا به موقعیت و موضع ضعف کاروژ از حیث بی‌پولی و ورشکستگی نیازهای مادی‌اش پی می‌بریم تا قضیه ازدواجش با مارگارت (که باز هم اولویت مالی در آن دخیل است تا عشق و دلبستگی انسانی) و کشمکش‌های بعدی که بر سر یک قطعه زمین با ارزش با پیتر و لگری رخ می‌دهند و درنهایت، رسیدن به نقاط عطف روایت: اخراج از دربار

است و گمان می‌کند که او نیز به لگری چشم داشته و درنهایت، مادر کاروژی که اعتقاد دارد بدلیل حفظ آبرو و ادامه حیات، می‌یابست در این موارد سکوت کرد؛ جملگی موضع ضعف و مظلومیت و تنهایی مارگارت را برای مخاطب عینی‌سازی کرده تا تماماً شریک غم و اندوهش بوده و مردسالاری جامعه وقت را برای مخاطب ترسیم کند.

نکته دیگر هم آگاهی ما بر مسئولیت‌پذیری و پای‌کاربودن مارگارت است. چنانچه در غیاب همسرش رسیدگی به تمام امور را درست‌گرفته و حتی با دل‌رحمی ذاتی‌اش از افراد فقیر، مالیات هم نمی‌گیرد، موجبات شدت مصیبت‌باربودن فجایع رفته بر او را فراهم می‌کند.

حال که شخصیت‌های اصلی را به مرور شناختیم و اصل ماجرا دستمان آمده، نوبت به فرجام کار و وایسین دوئل است. اسکات، دوئل را چشم‌نواز و بی‌نقص دویاز کرده است. از حضور نماهای لانگ گرفته که هم لوکیشن نبرد و جایگاه تماشاگران را تصویرسازی می‌کنند تا دوربینی که در حین دوئل به شخصیت‌ها نزدیک شده تا هم حس‌وحالشان در لحظه مورد نظر را داشته باشیم و هم خشونت و سنگینی نبرد را حس کنیم. با توجه به پیشینه شخصیت‌ها و خشم و حسادت و کینه طرفین، گویی سنگینی و سختی هر ضربه را بیشتر حس کرده و با هر عمل و عکس‌العمل ما هم به‌مانند خود آن‌ها، منتظر مرگ و ناکامی هستیم. دوربین برای درگیری هرچه بیشتر مخاطب، گاه از پشت، سوزهای سوار بر اسب را تعقیب می‌کند، هیاهوی جمعیت و اسلوموشن (ها) نیز التهاب نبرد را تشدید می‌کنند. اما درنهایت، نکته ویژه دکوپاژ این دوئل را در تدوین بخش انتهایی‌اش می‌دانم. جایی که پس از کلوزآپ لگری غرق در خون (درحالی‌که شمشیر کاروژ در دهانش فروفته) به نمایی اکسیریم کلوز از مارگارت کات زده می‌شود. هم‌زمان با مرگ لگری ظالم و دروغگو، گویی مارگارت نفسی راحت کشیده و از شر، رهایی پیدا می‌کند. چرا که هم تهمت خیانت از دوشش برداشته شده و هم از مجازات سوزاندن‌شدن در آمان بوده و می‌تواند سال‌های سال برای فرزندش (که درنهایت هم نمی‌دانیم فرزند کاروژ بوده یا لگری) مادری کند. مارگارت در انتها رستگار شده و حقانیتش به اثبات می‌رسد. حقانیتی که گویی می‌یابست با جاری‌شدن خون و تحمل انواع فشارهای روحی روانی بدان دست یافت.

در مسیر صعودی است، اما چشمداشت‌نش به مارگارت به‌عنوان زنی زیبا، ثروتمند و باسواد، خشم و کشمکش درونی را در وی ایجاد کرده که گویی تنها با تصاحب و تسلطش بر مارگارت، آرام می‌گیرد.

اما بدون شک، مهم‌ترین نکته در این روایت همان قضیه تجاوز است. چرا که در روایت قبلی، تنها در دیالوگی کوتاه به این مهم اشاره‌شده بود و مای مخاطب، نمی‌توانستیم حقیقت یا دروغ‌بودنش را تشخیص دهیم. اما در این روایت با جزئیات بر حقیقی بودنش آگاه می‌شویم. لگری چنان غرق در خیال‌پردازی است که گمان می‌کند مارگارت هم به او تمایل داشته و در روزی که او در خانه تنهاست غافلگیرش کرده و به وی تجاوز می‌کند. پس از این واقعه درنکات، بُعد دیگری از لگری هم آشکار می‌شود: او زمینه‌های مذهبی نیز داشته و پس از این عمل هولناک، نزد پدر روحانی رفته و بر گناهش (البته به‌شکل زنا و نه تجاوز!) اعتراف می‌کند، که میزان بالای تسلطش بر چگونه دروغ‌گفتن، ما را به ابعدی دیگری از شخصیت او آشنا می‌سازد. او، چه در گپ‌وگفت با پیتر و چه در حضورش در دادگاه، چنان دروغ می‌گوید و در پی کتمان حقیقت است که مانیز به‌عنوان مخاطب فرایند تجاوز را نظاره‌گر بوده‌ایم، از این حجم اعتمادبهنفس و توانایی فریب‌دادنش شگفت زده می‌شویم.

با به اتمام رسیدن روایت دوم، عملاً فیلمنامه وارد فاز تازه و چالش جدی‌تری می‌شود. چرا که حالا می‌دانیم ادعای مارگارت درخصوص تجاوز، حقیقی و تمام ادعاهای لگری از اساس دروغ بوده‌اند. پرسش اینجاست که جدا از آن دوئل خونینی که در ابتدای کار هم با آن آشنا می‌شویم و قرار است جمع‌بندی نهایی داستان هم باشد، فیلمنامه در روایت سوم، چه ویژگی‌هایی داشته تا جذابیت و کشش لازم را در مخاطب حفظ کند؟

امتیاز روایت سوم را می‌یابست در پرداخت به شخصیت مارگارت و نمایش تنهایی او در مقاطع مختلف زندگی درنظر گرفت. از همان ابتدای بحث ازدواجش گرفته که او، میل کاروژ به ثروت خانوادگی و فرزندآوری را متوجه می‌شود و در جریان است که عشق و دلبستگی به خودش در اولویت این ماجرا نیست، تانیش و کنایه‌های مادر کاروژ در رابطه با فرزندآوری و مراجعه انفرادی‌اش به دکتر زنان تا بحث تجاوز وحشیانه از سمت لگری و دوست صمیمی‌اش که در پذیرش، باور و هضم این ماجرای برآش دشوار

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی – ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۷۸۰۷۸۰۱۰۲۰۳۳۳۱۰۴۶۰۴۷۰۴۸ مورخ ۸ تیرماه ۱۴۰۴ جلسه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد فرابین فرزند محمد علی به شماره شناسنامه ۱۸۸۳ صادره در شش‌دانگ یک قطعه باغ پلاک ۱۲۶۸ الی ۱۲۷۵ فرعی از اصلی به مساحت ۵۹۱۸ مترمربع از سهمی برات فلاح پور ذیل ثبت صفحه ۸۷ دفتر ۱۱۲۷ محرز گردیده است لذا به سهمی منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشار و محلی همزمان در یک تاریخ چاپ و آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض درخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۷۶/۱۳۳ نوبت دوم: ۱۳ مرداد ۱۴۰۴

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

تحويل ۵۰۰۰ واحد شهری تا هفته دولت!

معاون مسکن شهری بنیاد مسکن با اعلام این که ۲۲۰ هزار واحد مسکن شهری در حال ساخت است، گفت: هفته دولت امسال ۵ هزار واحد تحويل می‌شود.

حمیدرضا سهرابی معاون مسکن شهری بنیاد مسکن با اشاره به آغاز عملیات اجرایی ۲۲۰ هزار واحد مسکونی در شهرهای تحت مسئولیت بنیاد مسکن اظهار کرد: تاکنون نیز ۱۹ هزار واحد تحويل متقاضیان شده است.

وی افزود: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده قرار است تا هفته دولت امسال، تعداد واحدهای تحويلی به ۲۴ هزار واحد برسد. وی از تخصیص زمین برای احداث ۲۵۴ هزار و ۳۸۴ واحد خبر داد و یادآور شد: ۲۰۰ هزار واحد برای پرداخت تسهیلات به بانک‌ها معرفی شده‌اند که تاکنون قرارداد ۱۲۵ هزار واحد امضا شده است و ۷۵ هزار واحد تسهیلات خود را در بخش شهری دریافت کرده‌اند.

معاون مسکن شهری بنیاد مسکن بیان کرد: ۱۸۶ هزار واحد وارد مرحله پی‌کنی شده‌اند و ۱۴۳ هزار واحد نیز در مرحله فونداسیون قرار دارند.

بدهی ایرلاین‌های ایرانی به فرودگاه‌های عراق چقدر است؟

در حالی سازمان هواپیمایی طی بخشنامه‌ای عدم بدهی شرکت‌های هواپیمایی داخلی به فرودگاه‌های عراق را شرط انجام پروازهای اربعین اعلام کرده که میزان دقیق این بدهی‌ها مشخص نیست.

اخیراً سازمان هواپیمایی طی بخشنامه‌ای در راستای ارتقای خدمات‌رسانی به زائران اربعین ۱۴۰۴ اعلام کرد:

بازه زمانی اربعین ۱۴۰۴ در حوزه هوایی ۱۷ مرداد تا ۲۶ مرداد است.

همه ایرلاین‌ها باید حداکثر طی ۲۴ ساعت از زمان دریافت مجوزهای پرواز، نسبت به باز کردن پروازها و فروش بلیت به عموم اقدام کنند.

بهای کل بلیت یک‌طرفه از استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، هرمزگان، فارس، مازندران و گلستان به نجف یا بغداد و بالعکس، حداکثر ۷.۵ میلیون تومان است.

بهای بلیت یک‌طرفه از تهران و سایر استان‌ها به نجف یا بغداد و بالعکس، حداکثر ۶.۵ میلیون تومان است.

فروش اجباری بلیت دوطرفه به‌عنوان شرط لازم برای صدور بلیت، ممنوع است.

تعیین تکلیف بدهی‌ها با فرودگاه‌های عراق تا قبل از انجام پروازهای اربعین الزامی است. تمام خسارت‌های ناشی از عدم صدور مجوز پروازی توسط طرف عراقی به دلایل مذکور، رأساً متوجه شرکت هواپیمایی خواهد بود.

هم مسئولان سازمان هواپیمایی و هم شرکت‌های هواپیمایی به این نکته اذعان دارند که فرودگاه نجف یکی از گران‌ترین فرودگاه‌های دنیاست و هزینه‌های دریافتی بابت انجام یک پرواز از حد معمول نرخ‌ها بسیار بالاتر است.

مقصود اسعدی سامانی دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی هفته گذشته در این رابطه گفته بود: در مقایسه با سال گذشته، هزینه‌های شرکت‌های هواپیمایی در بخش سوخت ۱۴ برابر شده است.

وی با بیان این که در بخش فرودگاهی هزینه ارزی هر پرواز ۱۰ تا ۱۲ هزار دلار است، افزود: علاوه بر این فرودگاه نجف برای هواپیماهای باریک‌پیکر ۲۰۰۰ و هواپیماهای پهن‌پیکر ۴۰۰۰ دلار دریافت می‌کند.

وی افزود: همچنین این فرودگاه برای استفاده از هر ویلچر ۳۵ دلار از شرکت هواپیمایی می‌گیرد.

اسعدی سامانی از ریزنی با مسئولان فرودگاه نجف برای کاهش هزینه‌های تحمیلی به شرکت‌های هواپیمایی ایرانی خبر داد و گفت: مکاتباتی در این زمینه صورت گرفته و امیدواریم مسئولان مربوطه عراقی با تعدیل قیمت‌های هندلینگ و حذف روباتی به کاهش هزینه سفر مشتاقان زیارت عتبات عالیات کمک کنند.

۱۹ همت سود به حساب ۱۲ میلیون سهامدار واریز شد

شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه اعلام کرد: بیش از ۱۹ هزار میلیارد تومان سود متعلق به ۲۰۹ ناشر از ابتدای سال جاری تا پایان هفته چهارم تیر ماه سال از طریق سجام برای ۱۱ میلیون و ۹۸۳ هزار سهامدار واریز شد. آمارهای شرکت سپرده‌گذاری مرکزی نشان می‌دهد در هفته چهارم تیر ماه امسال ۱۱ شرکت بورسی با نمادهای انتخاب، لپیم، بپاس، وکبهمن، ومهان، وامید، وپویا، سیستم، وگستر، قزوین و شهر سود جاری یک میلیون و ۴۸۵ هزار و ۸۸۲ سهامدار که شامل یک‌هزار و ۲۹۱ میلیارد و ۶۶۸ میلیون تومان می‌شود را به حساب آن‌ها در سامانه سجام واریز کردند.

دنیای هوادار

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۵

اقتصاد

داستان جلد

«دنیای هوادار» از تناقض گویی مسئولان درباره‌ای پی سفیدهای گوید؛

چکش دیجیتال بر شقیقه جُمهوریت؟

ایمان روزبهنایی

فرض کنید در اتوبوسی نشسته‌اید که هر لحظه ممکن است از مسیر اصلی منحرف شود. راننده، یکبار می‌گوید «نگران نباشید، همه چیز طبق برنامه پیش می‌رود» و لحظه‌ای بعد، ترمزی ناگهانی می‌زند و به‌سرعیت به جاده خاکی می‌پیچد. حالا شما هم سرگردان و بی‌اعتماد، تنها امیدتان این است که مقصد هنوز همان باشد که فکر می‌کردید. این تصویر، توصیف امروز ماست در مواجهه با سیاست اینترنت در ایران؛ جایی که با هر خبر تازه، با هر مصوبه، با هر تکذیب، بیشتر در گرداب بی‌اعتمادی فرو می‌رویم.

در روزهایی که گرمای تابستان به جان شبکه‌های فیلترشکن افتاده و سرعت اینترنت در حد تشریفات دولتی پایین آمده، خبر اینترنت طبقه‌ای، یعنی همان دسترسی گزینشی به اینترنت آزاد، مثل جرقه‌ای در انبار باروت عمل کرده است. از یک‌سو، دولت وعده می‌دهد که «اینترنت آزاد، حق همه مردم است»، اما از سوی دیگر، سخنگویان و معاونانی پیدا می‌شوند که از «سفید کردن آی‌پی» کسب‌وکارها و دسترسی خاص برای خبرنگاران سخن می‌گویند. تناقض‌هایی که کمتر نشانی از گفت‌وگوی شفاف دارند و بیشتر تداعی‌گر سازوکارهای نامرئی در تصمیم‌سازی‌اند.

آیا باید پذیرفت که «دسترسی آزاد به اینترنت» در ایران دیگر نه یک حق، بلکه امتیازی ناپایدار برای طبقه‌ای خاص است؟ آیا می‌توان پذیرفت که در عصر جهانی‌شدن اطلاعات، در سرزمینی که رئیس‌جمهورش با وعده «آزادی اینترنت» رای آورد، حالا کاربران عادی باید برای عبور از دیوارهای فیلتر، به تورهای غیرقانونی، وی‌پی‌ان‌های شکننده و اختلال‌های دائمی پناه ببرند؛ در حالی که برخی اقبال‌خاص، بی‌سروصدا از پنجره‌های دیگر به اینترنت بدون محدودیت دسترسی دارند؟ در ادامه، تلاشی داریم برای واکاوی همین فضای مبهم و متناقض. چرا مفهوم «اینترنت طبقه‌ای» این‌قدر جنجال‌آفرین شده؟ چه چیزی در دل این سیاست‌های دوگانه پنهان است؟ و چرا اعتماد عمومی این‌چنین ترک برداشته است؟ بگذارید دقیق‌تر به دل ماجرا نگاه کنیم.

«اینترنت طبقه‌ای نیست؛» جمله‌ای که در هفته‌های اخیر بارها و بارها از زبان رئیس‌جمهور، وزیر ارتباطات و دیگر مقامات شنیده‌ایم، اما هم‌زمان با این تکذیب‌های رسمی، فکت‌هایی وجود دارد که انکار دارند مسیر دیگری را نشان می‌دهند: از سفید کردن آی‌پی کسب‌وکارهای خاص، تا انتشار آیین‌نامه‌هایی که بیش از آنکه تضمینی بر آزادی اطلاعات باشند، نوعی مهندسی دسترسی را القا می‌کنند.

در نگاه نخست، شاید موضوع خیلی ساده به نظر برسد: شرایط بحرانی، کسب‌وکارهایی که برای ادامه حیات دیجیتالشان نیاز به دسترسی موقتی و کنترل‌شده دارند، و نهادهای که برای این هدف پا به میدان می‌گذارند. اما همین «تخصیص» گزینشی، در بستریک جامعه پراشتاب، معنایی فراتر از مصلحت پیدا می‌کند. جامعه‌ای که طی سال‌های اخیر نه

فقط با فیلترینگ سراسری، که با تضعیف نظامات اطلاع‌رسانی آزاد و محدود شدن آزادی‌های ارتباطی روبه‌رو بوده، دیگر به‌راحتی به هیچ «تکذیب‌بیه‌ای» اعتماد نمی‌کند.

در جامعه‌ای که قانون‌گذاری در حوزه فضای مجازی، پشت درهای بسته و با تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف انجام می‌شود، طرح‌هایی مانند «شبکه ملی اطلاعات» بیشتر از آنکه نوید زیرساخت بدهند، هشدار قطع ارتباط می‌دهند. در این فضا، اینترنت طبقه‌ای نه فقط یک پروژه فنی، که یک استعاره سیاسی می‌شود: نماد شکاف میان مردم و حاکمیت، نکته مهم آنجاست که مسئله فقط «دسترسی آزاد» نیست؛ مسئله، بی‌اعتمادی ساختاری به فرایند تصمیم‌گیری است. جامعه امروز ایران، زیر فشار بحران‌های پی‌درپی، نسبت به همه نشانه‌های تبعیض حساس‌تر شده است. تبعیض در پرداخت یارانه، در برخورد با نارضایتی، در توزیع منابع شهری، و حالا، در کیفیت اتصال به جهانی که دیگر به زندگی روزمره‌مان گره خورده است. جامعه‌ی شبکه‌زده‌ای که اینترنت برایش دیگر فقط سرگرمی نیست، بلکه اکسیر شغلی، ارتباطی، آموزشی و هویتی‌ست.

در چنین وضعی، وقتی خبرنگاران، پزشکان یا صاحبان استارت‌آپ‌ها از «اینترنت آزاد برای ما» سخن می‌گویند، این پیام برای میلیون‌ها کاربر عادی، چیزی جز «شما در اولویت نیستید» نیست. و از دل همین احساس رانده‌شدن است که خشم اجتماعی شکل می‌گیرد. اینترنت طبقه‌ای فقط سیاستی برای «مدیریت بحران دیجیتال» نیست؛ نماد نوعی حکمرانی فرادستانه است، همان الگویی که به جای پاسخ‌گویی، به تفکیک سطوح شهروندی می‌پردازد. حتی اگر نیت طراحان این سیاست خیرخواهانه باشد، فرم اجرای آن با سازوکارهای نامعلوم، بدون مصوبه شفاف، با تکذیب‌های مداوم- در عمل چیزی جز تشدید شکاف اجتماعی نیست. در واقع، اینترنت طبقه‌ای، ناخواسته به صورت‌بندی تازه‌ای از شکاف اجتماعی در ایران تبدیل شده است. در نبود شفافیت، مردم احساس می‌کنند «دسترسی» نه بر اساس حق، بلکه بر اساس نزدیکی به مراکز قدرت توزیع می‌شود.

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های این وضعیت، فرسایش اعتماد به دولت چهاردهم است؛ دولتی که با شعار «بازگشت عقلانیت و گفت‌وگو» به میدان آمد، اما حالا در یک آزمون جدی شفافیت و عدالت ارتباطی گرفتار شده است. وقتی دکتر پزشک‌یکان می‌گوید «با فیلترشکن بازی مخالفم»، مردم حق دارند بپرسند: آیا برای این مخالفت،



اراده‌ای واقعی برای بازگرداندن اینترنت آزاد وجود دارد؟ یا این هم صرفاً بخشی از همان مهندسی واژگان است که طی سال‌های اخیر در فضای سیاست داخلی نهادینه شده است؟ اگر نیت واقعی حمایت از کسب‌وکارهاست، باید این حمایت به شکل شفاف، با ضوابط قانونی و برای همه‌ی ذی‌نفعان باشد، نه فقط برای شرکت‌هایی که آی‌پی‌شان در یک فهرست سفید ثبت شده است. وگرنه همان‌طور بی‌عدالتی در توزیع منابع نمادین، توان برانگیختن خشم جمعی ندارد.

مسئله اینترنت طبقه‌ای را نمی‌توان صرفاً به «مشکل فنی» یا «نشت خبر اشتباه» تقلیل داد. این ماجرا، نماینده‌ی یک مسئله بنیادی‌تر است: بحران گفت‌وگو، بحران شفافیت، و فاصله‌ای که روزبه‌روز میان دولت و جامعه بیشتر می‌شود. جامعه‌ی امروز ایران، چه بخواهیم و چه نخواهیم، دیگر از مرحله تقاضای حقوق شهروندی عبور کرده شده است. در چنین مرحله‌ای، وعده‌های انتخاباتی بدون تحقق، صرفاً زخم‌های قدیمی را باز می‌کنند. رئیس‌جمهوری که با شعار حمایت از دسترسی همگانی به اطلاعات روی کار آمده، باید بداند که مردم امروز نه فقط مخاطب سخنان او، بلکه ناظران رفتار او هستند.

حالا دیگر کافی نیست که فقط «تکذیب» کنیم. مردم می‌خواهند شفافیت ببینند، می‌خواهند صورت‌جلسات را بخوانند، می‌خواهند بدانند چه کسی چه تصمیمی گرفته و چرا. اعتماد در این عصر نه با سخنرانی، که با داده بازسازی می‌شود؛ با اقداماتی که به‌جای دورزدن واقعیت، آن را به رسمیت بشناسد؛ و اگر دولت می‌خواهد واقعاً با فیلترینگ و طبقه‌بندی مبارزه کند، باید یکبار برای همیشه تصمیم بگیرد: یا به سوی آزادی گام بردارد، یا همان‌طور که بسیاری گمان می‌کنند، نقشه‌ای دیگر در سر دارد.

مسعود پزشکیان، اگر بخواهد چهره‌ای متمایز از رؤسای جمهور پیشین باشد، اینجا نقطه آغاز است. باید شفاف بگوید، شفاف عمل کند و شفاف اجرا کند. «اینترنت طبقه‌ای» فقط یک تصمیم فناورانه نیست؛ یک آزمایش تاریخی است برای سنجش صداقت یک دولت در برابر مردمی که به سادگی دل نمی‌بندند و به سختی می‌بخشند. و جمله آخر اینکه، بهتر است آقایان و خانم‌های تصمیم‌ساز، فراموش نکنند که وقتی حق دسترسی به اطلاعات از امتیاز به رانت تبدیل شود، دیگر چیزی از عدالت نمی‌ماند، حتی در سطرهای قانون.

مصطفی حاجی میری از ورزشکاران رزم آوران استان زنجان، با ارسال نامه ای از درخواست عضویت خود در کیک بوکسینگ واکو ایران خبر داده است. متن این نامه به شرح ذیل است: اینجانب مصطفی حاجی میری از ورزشکاران انجمن رزم آوران در ایران که تاکنون در فدراسیون رزمی فعالیت داشته، بدینوسیله انصراف خود را از ادامه هرگونه همکاری با این فدراسیون و انجمن رزم آوران اعلام داشته و از انجمن کیک بوکسینگ واکو به ریاست آقای ناصر نصیری تقاضای عضویت نمودم. همچنین اعلام نموده که پس از سالها فعالیت در فدراسیون رزمی، به این نتیجه رسیدم که به صلاح اینجانب است که با کیک بوکسینگ واکو ایران که تشکیلاتی معتبر به ریاست آقای ناصر نصیری، عضو رسمی کنفدراسیون آسیا (واکو آسیا) و سازمان جهانی واکو می باشد، فعالیت نمایم. همچنین تأیید می نمایم این اطلاعیه را با صراحت تکمیل نموده و این تصمیم با توجه به معرفی انجمن کیک بوکسینگ واکو به عنوان متولی ورزش کیک بوکسینگ در ایران و همچنین عضویت رسمی کیک بوکسینگ واکو ایران در کنفدراسیون کیک بوکسینگ آسیا (واکو آسیا) که عضو رسمی شورای المپیک آسیا می باشد و از طرف آن نهاد بین المللی به عنوان مسئول ورزش کیک بوکسینگ در آسیا منصوب گردیده و اینکه سازمان جهانی واکو عضو رسمی گایسف و کمیته بین المللی المپیک بوده، گرفته شده است.

بوکس، نیازمند تصمیمات سریع و حساب شده

فرهاد غلامعلی



همین اخیراً نیز سیدشاهین موسوی مربی تیم بوکس امید با بیان اینکه وعده‌های جوانگرایی مربیان کوبایی نسل موفق این ورزش را از هم پاشیده است، اعلام کرد که از تیم ملی اجباراً خداحافظی می کند. در کنار این مسائل، نبود هیچ مسابقه تدارکاتی داخلی یا خارجی تا این لحظه، ضربه‌ای جدی به روند آماده‌سازی ملی‌پوشان وارد کرده است. در فضای حرفه‌ای بوکس، حضور در رینگ پیش از رویدادهای مهم، برای آمادگی روحی و فنی ورزشکاران حیاتی است، اما ظاهراً بوکس ایران قرار است بدون هیچ‌گونه محک جدی وارد مسابقات جهانی شود.

بوکس ایران در سال ۲۰۱۹ با مدال برنز دانیال شهبخش در رقابت‌های جهانی، تاریخی‌ترین نتیجه خود را ثبت کرد. حالا با توجه به شرایط فعلی، نعت‌ها نشانه‌ای از تکرار آن موفقیت دیده نمی‌شود، بلکه بیم آن می‌رود که تیم ملی با نتایجی ناامید کننده بازگردد. این در حالی است که در سال‌های اخیر، میلیاردها تومان برای جذب مربیان خارجی هزینه شده اما خروجی قابل قبولی از آن دیده نشده است.

به نظرمی رسد روح اله حسینی اگر بخواهد عملکرد فنی تیم ملی را بهبود بخشد، باید تا دیر نشده، یک بازنگری جدی در سیاست‌های فنی و مدیریتی خود داشته باشد و مواردی چون تشکیل فوری و مستمر

با وجود اینکه فدراسیون جهانی بوکس، زمان برگزاری رقابت‌های جهانی این رشته را شهریورماه به میزبانی انگلیس اعلام کرده؛ اما همچنان خبری از اردوهای منظم و مسابقات تدارکاتی به گوش نمی رسد و علاوه بر آن تغییرات پیاپی کادر فنی، تیم ملی را به نوعی دچار بی ثباتی کرده است.

در ماه‌های اخیر، مربی کوبایی به ایران دعوت شد و انتظار می‌رفت با حضور او تیم ملی شرایط بهتری را تجربه کند. با این حال، در طول مدت فعالیت او، تنها یکی دو اردوی پراکنده برگزار شد که کیفیت و انسجام لازم را نداشتند. در نهایت، همکاری این مربیان از جمله فوتاتنا، الوی تورس و... نیز به پایان رسید و همایون امیری به عنوان سرمربی جدید تیم ملی منصوب شد؛ تغییری که در فاصله کم باقی‌مانده تا مسابقات جهانی، کار را برای تیم ملی سخت‌تر می‌کند. نکته نگران‌کننده دیگر، غیبت چهره‌های باتجربه در ترکیب فعلی تیم ملی است، موضوعی که با شعار جوان‌گرایی توجیه شده، اما این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا این نوع جوان‌گرایی برنامه‌ریزی شده و هدفمند بوده یا حاصل بی‌برنامگی در سیستم فعلی است؟

در دومین دوره جشنواره مینی‌هندبال اصفهان چه گذشت؟ سپاهان قهرمان دل‌ها شد

اصغر قلندری



هندبال کشور، به‌ویژه در استان اصفهان، رقم بز نیم و توسعه این رشته جذاب را در رده‌های سنی مختلف شاهد باشیم.

شایان ذکر است که هیأت هندبال استان اصفهان، در بیش از نیم قرن فعالیت خود، یکی از هیأت‌های موفق کشور بوده و هر ساله با حضور تیم‌هایی از باشگاه‌های فولاد مبارکه سپاهان، ذوب‌آهن اصفهان و گیتی‌پسند، جایگاه برتر خود را در سطح ملی حفظ کرده است. این تیم‌ها بارها به عناوین قهرمانی و نایب‌قهرمانی دست یافته‌اند.

افزون بر این، با ریاست چند دوره‌ای سید حسن افتخاری بر هیأت هندبال استان، شاهد تحولات چشمگیری در این رشته تیمی محبوب بوده‌ایم؛ از جمله قهرمانی تیم فولاد مبارکه سپاهان در سی‌وهفتمین دوره لیگ (سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴) به مربیگری شهید مرتضی، دروازه‌بان سابق تیم ملی و سپاهان. همچنین، براساس رأی‌گیری کارشناسان هندبال کشور، هشت بازیکن از تیم سپاهان در فهرست نامزدهای برترین‌های هندبال باشگاه‌های ایران قرار گرفتند.

هشت افتخار برای هندبال اصفهان در سی‌وهفتمین دوره لیگ برتر

رایبایی نام یک مربی و هفت بازیکن از تیم فولاد مبارکه سپاهان به فهرست برترین‌های سی‌وهفتمین دوره لیگ برتر هندبال آقایان، افتخاری بزرگ برای هندبال استان اصفهان به شمار می‌آید.

در این نظرسنجی که با هدف انتخاب بهترین بازیکنان، مربیان و پدیده‌های این دوره از رقابت‌های لیگ برتر هندبال مردان برگزار شد، نمایندگان سپاهان

دومین دوره جشنواره مینی‌هندبال، همزمان با هفته جهانی هندبال، در مجموعه ورزشی شهید سجادی اصفهان برگزار شد.

این جشنواره در دو بخش دختران و پسران، به میزبانی هیأت هندبال استان اصفهان و در سالن شهید سجادی برگزار گردید. در جریان این رویداد، یاد و خاطره شهدای جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی، به‌ویژه صابر اکبری- شهید رشته هندبال- گرامی داشته شد.

فرامرز می‌آبادی، دبیر هیأت هندبال استان اصفهان که سابقه ریاست این هیأت و همکاری با فدراسیون هندبال جمهوری اسلامی ایران را در کارنامه دارد، درباره این جشنواره گفت: «جشنواره مینی‌هندبال در دو بخش دختران نونهال و پسران، در روزهای پایانی تیرماه ۱۴۰۴ و همزمان با جشنواره جهانی هندبال برگزار شد. در این رویداد، بیش از ۷۰ تیم از سراسر استان اصفهان حضور داشتند و در پایان به تمامی ورزشکاران نونهال، مدال اهدا شد».

می‌آبادی در ادامه خاطرنشان کرد: «برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر جشنواره مینی‌هندبال در بخش دختران و پسران، در دو ماه گذشته نشست‌های متعددی با همکارانم در هیأت هندبال استان اصفهان برگزار کردیم. خوشبختانه این جلسات ثمربخش بود و با حضور پرشور نونهالان از شهرستان‌های مختلف استان، رویدادی ارزشمند و به‌یادماندنی رقم خورد». او در پایان تأکید کرد: «امیدوارم با تداوم برگزاری چنین جشنواره‌هایی، بتوانیم آینده‌ای روشن برای

آرزوهای مهدی در میلان «سراب» شد؛

طارمی مجانی برای اینتر بازی کرد!

امیراسدی

مهدی طارمی که به تازگی وارد ۳۳ سالگی شده، در آستانه اتخاذ یک تصمیم مهم قرار دارد. او در فصل منتهی به جام جهانی ۲۰۲۶ تشنه بازی و حضور در زمین است و این مورد می‌تواند در انتخاب او نقش مهمی داشته باشد. انتخابی که همگی منتظر رسمی شدن آن هستیم.

سال قبل و در همین روزها، دلخوش بودیم به یک انتقال بزرگ؛ به یک حضور رویایی و نماینده‌ای که می‌خواست در سرزمین چمکه، بدرخشد و سری بین سرها پیدا کند. امیدواری ما وقتی بیشتر شد که طارمی در اردوی پیش‌فصل، گل‌های متعددی به ثمر رساند و مقابل مهاجمانی نامدار نظیر لائوتارو مارتینز و مارکوس تورام قد علم کرد.

چه داستان‌هایی را در ذهن‌مان می‌پروراندیم. با خود می‌گفتم بعد از حضور سردار آزمون در رم، حالا طارمی را هم در سری آ داریم و چه خوشبختیم ما. اینتر که با قراردادی آزاد و بدون پرداخت پول، طارمی را شکار کرده بود، دستمزدی خالص و بالغ بر سه میلیون یورو در سال برای ستاره تیم ملی ایران در نظر گرفت. با قراردادی سه ساله برای بازیکنی که از مرز ۳۲ سالگی عبور کرده بود.

طارمی چه تلاش‌های بی‌وقفه‌ای انجام داد تا به ترکیب اصلی اینتر برسد. او اما اغلب پشت خط مارتینز و تورام ماند و گاه در ترکیب قرار گرفت اما آمار او آنچنان که باید نتوانست مدیران اینتر را برای ادامه همکاری مجاب کند. حضور در ۴۶ بازی، ۳ گل زده و ۶ پاس گل هم نتوانست اینتر را به حفظ طارمی ترغیب کند. به‌خصوص که حامی پر و پا قرص طارمی، یعنی سیمونه اینزاگی هم به الهلال رفت و یک رومانیایی به نام کریستین چپو جانشین او شد.

چند روز قبل رسانه‌های ایتالیایی از پایان همکاری با مهدی طارمی خبر دادند. خبر تلخ بود و خیلی زود از میلان به تهران مخابره شد. اینکه مهاجم تیم ملی ایران جایی در برنامه‌های کریستین چپو، سرمربی جدید اینتر ندارد، شاید باب میل ما نباشد اما قابل پیش‌بینی بود. این یعنی مهدی را فصل بعد در ترکیب اینترمیلان نخواهیم دید؛ چه پایان غم‌انگیزی.

به همین سادگی، آرزوهای ستاره خط حمله تیم ملی ایران «سراب» و نقش بر آب شد. او در پایان اولین فصل بازی در اینتر، حالا در لیست فروش قرار گرفته و مدیران این باشگاه هم مشغول بررسی بهترین پیشنهاد هستند تا طارمی را بفروشند و بخشی از هزینه‌های خود را تأمین کنند. شتاب در قطع همکاری با طارمی، گویا به دلیل جذب مهاجمی جدید است که گفته می‌شود رومانیایی از او با جدایی رسمی ستاره ایرانی همزمان خواهد بود.

از بُعد اقتصادی هم اینتر با جذب و حالا فروش مهدی طارمی می‌تواند موفقیتی بزرگ را رقم بزند. نراتزوری، طارمی را به عنوان بازیکن آزاد جذب کرد و پولی برای دریافت رضایتنامه او پرداخت نکرد. آن‌ها سه میلیون یورو به مهدی دستمزد دادند و حالا قرار است او را بین ۵ تا ۱۰ میلیون یورو به فروش برسانند.

با یک حساب سرانگشتی، در صورت فروش طارمی به پایین‌ترین مبلغ ممکن (۵ میلیون یورو) اینتر دو میلیون یورو سود خواهد کرد و البته یک فصل استفاده از مهدی هم برای آن‌ها رایگان خواهد بود. وقتی می‌گویند باشگاه‌های اروپایی شبیه به یک پنگاه اقتصادی عمل می‌کنند، منظور همین درآمد‌هاست که در فوتبال ایران نمونه‌هایی اینچنینی، حتی انگشت‌شمار نیز وجود ندارد.

طارمی در حال بررسی پیشنهادهایی است که به دستش رسیده. از فولام و ناتینگهام فارست در لیگ برتر انگلیس تا بشیکتاش در ترکیه و الوصل در امارات. او فعلاً علاقه‌ای به حضور در خاورمیانه ندارد و می‌خواهد فوتبال خود را در اروپا ادامه بدهد. این، تصمیم فعلی مهدی است اما امکان دارد تغییری در آن به‌وجود بیاید و مسیر شماره ۹ تیم ملی ایران به یکباره تغییر کند.

مهدی که به تازگی وارد ۳۳ سالگی شده، در آستانه اتخاذ یک تصمیم مهم قرار دارد. او در فصل منتهی به جام جهانی ۲۰۲۶ تشنه بازی و حضور در زمین است و این مورد می‌تواند در انتخاب او نقش مهمی داشته باشد. انتخابی که همگی منتظر رسمی شدن آن هستیم و رومانیایی از مهاجم حال سابق اینتر.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ چاپ: کهن

■ شماره: ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ تلفن: ۶

■ واحد: ۲

■ پلاک: ۱

■ طبقه: ۲

■ کد پستی: ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴

شمارگان ۱۸۵۵

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

چه خوراکی های در تابستان نخوریم؟

×



قهوه

کم آبی در بدن

×



مصرف زیاد ادویه جات

بالا رفتن دمای بدن

×



غذاهای پر چرب و سرخ شده

دیر هضم و مضر برای گوارش

×



انواع سس ها

موجب نفخ و سستی

×



غذاهای بدون سبزیجات

تولید گرمای بیشتر در بدن

×



مغزها و آجیل

دیر هضم بودن